

بسم الله الرحمن الرحيم
قدرت غصب شدۀ امت وسیلۀ نفوذ سیاسی استعمار!
(قسمت اول)

مقالات



(ترجمه)

امت اسلامی روزهای ماه مبارک رمضان را در حالی می‌گذراند که یک صد و یک سال است از نظام‌های اسلام و احکام اسلامی بدور بوده، تمدن غربی گمراه و گمراه‌گر بالای آن تطبیق می‌شود. گمراه‌سازی خطرناک‌ترین سلاحی است که تمدن غربی آن را به کار می‌گمارد. این تمدن حق را باطل، باطل را حق، خوب را بد، بد را خوب جلوه می‌دهد!!

یک صد و یک سال است، امت در حالی زندگی‌اش را به سر می‌برد که قدرت آن غصب شده است. منظور از غصب شدن قدرت امت چیست؟ چنین چیزی چگونه می‌باشد، در حالی که در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، انتخابات برگزار می‌شود، ملیون‌ها مسلمان در جاده‌ها بیرون شده و از حکام خویش استقبال به عمل می‌آورند؟ از طرفی برخی از حکام با جعل و دست‌کاری اراده مردم، چیزی برای شان می‌سازند که آن را حل و عقد، اهل شوری، رهبری‌های دینی، قبایلی، مذهبی و غیره می‌نامند؛ چیزی که آن را وسیله‌ای برای نشستن شان بر کرسی حکومت قرار داده اند. این رهبرهای ساختگی، رهبران نظامی و ارتش، بدین وسیله، ادعای قیومیت بر مردم را می‌نمایند!

قدرت امت عبارت از حق انتخاب حاکم و تعیین آن به مسند حکومت است. حال پرسش این است که آیا در واقع حکام کنونی نیز به وسیله امت انتخاب شده و به مسند حکومت قرار داده شده اند و بنا براین امت به آنان راضی بوده و خواستار بدیل برای شان نیستند؟ و یا این که این حکام به زور شمشیر و پول به کرسی حکومت نشستند؟ اگر اینان به وسیله عامه امت انتخاب شده اند، پس زمانی که علیه حکام شان انقلاب می شود، چرا دود شده و هیچ نشانی از آنان به چشم نمی خورد؟ علاوه براین، ما اکنون شاهد کشمکش های سیاسی در سرزمین خویش می باشیم. بحران سیاسی بزرگی در میان طرف های متناقض از مهره های استعمار در جریان است، هر یک ادعا می کند که وی صاحب قدرت و حاکمیت است!

رهبران ارتش و حکام کنونی سرزمین مان (سودان) ادعای قیومیت بر مردم را دارند؛ طوری که بر مقتضای این قیومیت بر تمام حقوق مردم دست به تصرف می زنند، از جمله بر قدرت امت و به این طریق قدرت امت را غصب می نمایند. اما نیروهای سیاسی و مدنی، که طرف درگیری دیگر را شکل می دهند، هزارها بلکه ده ها هزار، از جمله بیشتر از چهل ملیون از مردم سودان را برای تظاهرات به جاده بیرو می سازند، نیز ادعای می کنند که از جاده ها، یعنی از مردم نمایندگی کرده و به حکومت در این سرزمین حق بیشتری دارند، در حالی که آنان بسان رهبران نظامی بدون هیچ تفاوتی از یکدیگر، دروغ گویان گمراه گر اند.

برای این که برای بیرون رفتن از این حلقه بسته، و از این گمراه گری کثیف، تلاش کرده و گوشه و اطراف را بررسی نموده باشیم، می بایست به تاریخ مراجعه نماییم تا برای ما واضح شود که از چه زمانی این انحرافات که گمراه گری را به ارمغان آورده اند، آغاز شد است.

پس از این که خلافت در 28 رجب 1342ه. ق سرنگون شد و کفار استعمارگر غربی سرزمین های اسلامی را برای خویش غنیمت قرار داد، سرزمین های اسلامی را بر پایه ملیت گرایی تقسیم نمود و بر هر قسمت از آن حاکم مزدوری قرار داد، مزدورانی که تمدن غرب را در آن سرزمین ها تطبیق و امت را از بازگشتند به سیرت اول خویش باز دارند، کفار استعمارگر را بالای سرمایه های امت و مقدسات آن مسلط سازند، بدون شک غرب کافر برای بقای و تداوم پیروزی خویش بر امت اسلامی، ناچار باید همیشه قدرت امت را در غصب خویش نگهدارد.

اما ابزاری که غصب قدرت امت را برای غرب ثابت نگهداشته و حرکت های دسته جمعی امت را به ناکامی مواجه ساخته است، موارد زیر می باشد:

1- رهبري‌هاي ارتش‌ها كه در بسياري از سرزمين‌هاي اسلامي وسيله‌اي به دستگيري زمام امور مي‌باشند، ارتش‌هايي كه كفار استعمارگر براي همين هدف آنان را ساخته و از طريق پرورش و رام‌سازي آنان در مسير خيانت، آنان را براي حاكميت اهلي ساختن، هيچ چيزي بيشتر از عادي‌سازي روابط بايهود، و اصرار برهان و آل دقلو بر سير در آن، آن هم به نادیده گرفتن و زير پاي گذاشتن عقیده و شعارهاي مردم شان، بر اين امر دلالت ندارد.

2- سياسيون، جريان‌ها و محيط‌هاي سياسي وابسته به سفارت خانه‌ها، كه در ماحول پيمان‌ها، اعلان‌ها و بيانيه‌ها و يا هر نام ديگري چون (آزادي - ديموکراس - پيمان‌هاي بين المللي- آزادي زنان و غيره) گرد آمده اند، ماحول چيزي كه جوهر آن را تمدن غربي شكل مي‌دهد.

3- رسانه‌هاي مزدور و گمراه‌گر؛ رسانه‌هايي كه سقف خاسته‌هاي مردم را مشخص ساخته، براي مردم رهبر تعيين نموده و آنان را گمراه مي‌سازند.

4- فشارهاي بين المللي از طريق كار گماري مؤسسات بين المللي، تصاميم شوري امنيت و كيفرهاي تعيين شده به وسيله آن، فشارهاي صندوق بين المللي پول و بانك جهاني و ديگر سازمان‌ها و موارد استعماري كه در رام‌سازي حكام و تداوم سيطره خويش بر آنان، به كار گمارده مي‌شوند.

اي سروران! ما هنوز در زير يوغ استعمار به سرمي‌بريم. قدرت ما اكنون غصب شده است. تسليم ادعاهاي مليت گرايانه، استقلال، حاكميت و غيره، نشويد! هيچ راهي براي آزادي وجود ندارد، مگر به باز گشتاندن قدرت غصب شده امت، در سرزميني از سرزمين‌هاي اسلامي تا اين كه هسته براي اقامه خلافت راشده بر منهج نبوة باشد؛ دولتي كه ريشه استعمار را خشكانده، اسلام را تطبيق و حق را به اهل آن باز گرداند.

چون اسلام تنها مفكوره سياسي توانا در گردهم آوردن مردم است، در حالي كه سكولاريزم؛ جداي دين از زندگي من جمله جداي دين از سياست، چه به لباس نظامي باشد و چه به لباس مدني، اصل و اساس مرض و بلا مي‌باشد. سكولاريزم مردم را تقسيم و متفرق ساخته و سرزمين را به حاشيه رانده است. سكولاريزم ريشه استعمار را در كشور فروبرده است. تنها وسيله و ابزار موفقيت سكولران به مشرب‌هاي گوناگون غصب قدرت امت است، اما سخنان سكولران از رهبران نظامي، قواي سياسي و مدني در مورد حاكميت ملي، دروغ محض بيش نيست. تمام اينان در خدمت

استعمار و حفظ منافع استعماری و مسلط‌سازی آن بر سرمایه‌های امت، باهم رقابت دارند. تنها چیزی که می‌تواند مانع این وضعیت قرار گیرد، اسلام بزرگ است.

اسلام قدرت را به امت داده است، چون امت است که حاکم را انتخاب نموده و از طریق بیعت با آن به مسند حاکمیت قرار می‌دهد. شریعت تعیین خلیفه را حق امت قرار داده و خلیفه را وا داشته که قدرت خویش را از بیعت امت با آن به دست آورد. این‌که شریعت تعیین خلیفه را بدوش امت گذاشته است، در احادیث بیعت واضح می‌باشد، چنانچه: عن عبادة بن الصامت قال:

«بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي الْمُنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ» (متفق علیه)

ترجمه: از عبادة بن صامت روایت است که گفت: با رسول الله صلی الله علیه و آله بر گوش فرا دادن و فرمان بردن در مواردی که برای ما پسندیده و یا ناپسند است بیعت نمودیم.

وعن جرير بن عبد الله قال: «بَايَعْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ» (متفق علیه)

ترجمه: از جریر بن عبدالله روایت است که گفت: با رسول الله صلی الله علیه و آله بر گوش فرا دادن و فرمان بردن بیعت نمودیم.

وعن أبي هريرة قال: قال رسول الله: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: رَجُلٌ عَلَى فَضْلٍ مَاءٍ بِالطَّرِيقِ يَمْتَنِعُ مِنْهُ ابْنُ السَّبِيلِ، وَرَجُلٌ بَايَعَ إِمَامًا لَا يُبَايِعُهُ إِلَّا لِذُنْيَاهُ إِنْ أَعْطَاهُ مَا يُرِيدُ وَفِي لَهُ وَإِلَّا لَمْ يَفِ لَهُ، وَرَجُلٌ يُبَايِعُ رَجُلًا بِسِلْعَةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ فَحَلَفَ بِاللَّهِ لَقَدْ أُعْطِيَ بِهَا كَذَا وَكَذَا فَصَدَّقَهُ فَأَخَذَهَا وَلَمْ يُعْطِ بِهَا» (متفق علیه)

ترجمه: در روایتی ابوهریره رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: سه گروه اند که الله (سبحانه و تعالی) در روز رستاخیز با آنان سخن نمی‌گوید، آنان را تزکیه نمی‌کند، بلکه برای آنان عذاب دردناک وجود دارد: مردی که مسافری (ابن السبیل) را از آب اضافی که در راه دارد، منع می‌نماید؛ مردی که با امامی به خاطر دنیایی وی بیعت می‌کند، اگر آنچه را خواست امام به وی داد، با امام وفادار می‌ماند و اگر نداد با امام وفادار نمی‌ماند؛ مردی که کالایی را برای کسی می‌فروشد، به الله قسم می‌خورد که فلان و فلان وقت کالا را برایش می‌دهد، آن شخص وی را تصدیق کرده وی (بدل کالا را) گرفته و آن کالا را به آن شخص نمی‌دهد.

بیعت از جانب مسلمانان برای خلیفه است؛ از جانب خلیفه برای مسلمانان نیست. این مسلمانان اند که با خلیفه بیعت نموده و آن را حاکم قرار می‌دهند. تعاملی که با خلافتی راشدین شده است، این بوده که ایشان بیعت را از امت گرفته اند، و آنان بدون بیعت امت با آنان هرگز خلیفه قرار نگرفتند.

اما این مسئله که خلیفه قدرت خویش را از بیعت می‌گیرد، نیز در احادیث طاعت (فرمان‌برداری) و در احادیث وحدت خلافت، واضح می‌باشد: عن عبد الله بن عمرو بن العاص يقول: أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول:

«وَمَنْ بَايَعَ إِمَامًا فَأَعْطَاهُ صَفْقَةَ يَدِهِ وَثَمَرَةَ قَلْبِهِ فَلْيُطِعهُ إِنِ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ جَاءَ آخِرُ يُنَازِعُهُ، فَأَضْرِبُوا عُنُقَ الْآخِرِ» (أخرجه مسلم)

ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت است که وی از رسول الله شنیده بود که ایشان می‌فرمودند: کسی که با امامی بیعت می‌نماید، دست و قلب‌اش را به وی داده، باید از وی به اندازه استطاعت خویش اطاعت کند، اگر کسی دیگری آمد که با وی سرمنازعه برداشته بود، گردن آن را به زند.

وعن نافع قال: قال لي عبد الله بن عمر سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةِ لِقِيَّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (أخرجه مسلم)

ترجمه: از نافع روایت است که گفت: عبدالله ابن عمر برایم گفت که از رسول الله شنیده ام که می‌فرمودند: کسی که دست از طاعت به کشد، الله را در روز رستاخیز به گونه ملاقات خواهد کرد که هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد و اگر کسی بمیرد و در گردن آن بیعتی نباشد، وی با مرگ جاهلیت مرده است.

وعن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيُضِرْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شَبْرًا فَمَاتَ عَلَيْهِ إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (متفق عليه)

ترجمه: در روایتی از ابن عباس رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرمایند: کسی که از امیر خویش چیزی را بد می‌برد، باید بر آن صبر کند، در واقع هیچ کسی نیست که یک شبر از زیر حاکمیت سلطان بیرون شده و بمیرد مگر این که وی با مرگ جاهلیت می‌میرد.

وعن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ فَيَكْتُمُونَ»، قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: «فُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَاَلْأَوَّلِ، أَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ» (متفق عليه)

ترجمه: در روایتی از ابوهریره رسول الله صلی الله علیه وسم فرمودند: امور بنی اسرائیل را پیامبران رهبری و تنظیم و رعایت می نمود، هرگاه پیامبری وفات می نمود پیامبر دیگری پس از آن می آمد، در واقع پس از من پیامبری نیست، پس از من خلفاء زیادی خواهد بود. گفتند، (در مورد شان) ما را به چه فرمان می دهید، فرمودند: به بیعت اولین شان وفا کنید، حق شان را اداء کنید، و الله از ایشان در مورد رعیت شان بازخواست می کند.

این احادیث دلالت بر این دارد که خلیفه قدرت خویش را از طریق بیعت می گیرد، چون الله سبحانه و تعالی فرمان برداری از خلیفه را به سبب بیعت واجب ساخته است. «و من باع اماما... فلیطعه»، کسی که با امامی بیعت می کند... باید از آن فرمان به برد. خلیفه منصب خلافت را از طریق بیعت می گیرد، و فرمان برداری از آن واجب است، چون وی خلیفه می باشد که با وی بیعت صورت گرفته است، وی قدرت خویش را از بیعت امت گرفته و فرمان برداری آن بر کسانی واجب است که با وی بیعت نموده اند، یعنی برای کسی واجب است که در گردن اش بیعتی وجود دارد؛ این به این دلیل است که قدرت از آن امت است. بلی، رسول الله صلی الله علیه و سلام با وجودی که رسول الله سبحانه و تعالی بود، از مردم بیعت گرفت، آن بیعت حکومت و قدرت بود، بیعت نبوت نبود. رسول الله صلی الله علیه و سلم از زنان و مردان بیعت گرفت، از اطفالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند، بیعت نگرفت. این مسلمانان بودند که با خلیفه بر عمل بر اساس کتاب الله و سنت رسول الله بیعت نمودند. این موضوع که خلیفه قدرت خویش را از بیعت می گیرد، دلیل واضح می باشد، بر این که قدرت از آن امت بوده به هرکس که بخواهد می دهد.

ای برادران! ما شما را به سوی دعوت حزب التحریر فرا می خوانیم؛ برای این که خلافت را اقامه کنید تا این که اسلام به طور ناب و خالص به مسند حکومت بنشیند، چون این اسلام و دولت خلافت است که شما را از سیطره کفار استعمارگر آزاد می سازد و به وسیله خلافت است که اسلام رسالت هدایت نور را به سوی جهانیان حمل می کند!

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21]

ترجمه: الله بر کار خود چیره و مسلط است، ولی بیشتر مردم (خفایای حکمت و لطف تدبیرش را)

نمی‌دانند.

سخرانی که مهندس باسل مصطفی عضو حزب التحریر-ولایه سودان در 25 رمضان مبارک 1443هـ در سالون منتجع (دوسة السیاحی) در جریان فعالیت‌های سالانه افطاری رمضان که به وسیله حزب التحریر-ولایه سودان ترتیب داده شده بود، ارائه نمود؛ در افطاری که به علاوهای شباب حزب التحریر، مع بزرگی از سیاسیون، اهل رسانه، علماء، مسئولین ادارات محلی و غیره از کسانی که بر وضعیت عمومی اهمیت می‌دهند، در آن حضور پیدا کرده بودند.

ارائه شده توسط: مهندس/انجنیر باسل مصطفی

مترجم: علی مطمئن